

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی
www.haftegi.com

۶۴

۵ مرداد ۱۳۸۰

۲۷ ژوئیه ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

کار نقد، دستمزد نسبی

صفحه ۳

تجمعات اعتراضی کارگران

همچنان ادامه دارد صفحه ۴

دهمین نشست وسیع
کمیته کردستان حزب

صفحه ۴

جمهوری اسلامی کشتار غیرقانونی
زنان در مشهد را قانونی کرد

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

باید هر مراسم اعدام و سنگسار و شلاق زدن را به صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد!



گفتگو با آذر مدرسی درباره اعدامها و قتل‌های اخیر در ایران

بطور واقعی رژیم از رودروئی با مردمی که برای دستمزدهای معوقه، برای مسکن، برای آزادی، برای آب به خیابانها می آیند میترسد، و اتفاقا به همین دلیل تلاش میکند با قربانی گرفتن از بخشهای ضعیف تر جامعه، بخشهایی که سرکوب و اعدام آنها ممکن است حساسیت کمتری را در میان مردم بوجود بیاورد، قدر قدرتی خودش را نشان دهد، فضای رعب و وحشت بوجود بیاورد و از این راه کلا جامعه را به عقب بکشانند.

صفحه ۲

از سابق بیرون آمد. بلافاصله بعد از انتخابات ما شاهد رشد و گسترش اعتراضات مردم هستیم. شاهد اعتراضات مردم به عناوین مختلف، اعتراضات دانشجویمان و بخصوص اعتراضات کارگری که نمونه برجسته و آخر آن تجمع کارگران جامکو و شادانپور در مقابل مجلس بود که هراس رژیم از رشد بیشتر این اعتراضات، همه گیر شدن آن، عدم توانایی از سرکوب این اعتراضات را به خوبی میشد مشاهده کرد. هشارهائی که مرتب سران رژیم به هم میدادند و عقب نشینی ای که کردند وضعیت ضعیف رژیم را نشان میدهد.

میتواند ایجاد فضای رعب و وحشت، زهر چشم گرفتن و نشان دادن ظرفیت و توان سرکوبگرانه خودش باشد. جمهوری اسلامی مدتی است که حول قدرت سرکوبش و اینکه "متخلفین" را دستگیر کرده و آنها را کشته و غیره تبلیغات وسیعی راه انداخته است. این اعدامها و شلاقزنی ها و تبلیغات حول آنها باید در متن وضعیت امروز جمهوری اسلامی دید.

در حال حاضر رژیم در موقعیت ضعیفی به سر میبرد. علیرغم تبلیغاتی که حول شرکت مردم در انتخابات راه انداختند، رژیم از انتخابات ۸۰ ضعیفتر

هفتگی: در هفته گذشته جمهوری اسلامی اعدام و شلاق زنی مردم را بطرز چشمگیری افزایش داد، دلیل این نمایش وحشیگری در این شرایط را شما بطور توضیح میدهید؟

آذر مدرسی: اساسا جمهوری اسلامی بدون خشونت، اعدام، شلاق و سرکوب معنی ندارد. این فاکتورها را حذف کنید دیگر با رژیمی به نام جمهوری اسلامی روبرو نیستید. اما تا جائیکه به این موارد اخیر و تبلیغات خود رژیم حول آن بر میگردد، این اعدامها و شلاق زدن در ملا عام و اعلام علنی آنها هدفش فقط

سنگسار باید متوقف شود!

گفتگو با مینا احدی درباره کمیته بین المللی علیه سنگسار



هفتگی: دامنه فعالیتهای این کمیته چیست و تاکنون چه کارهایی انجام داده، کدام نهادها و افراد عضو آن هستند؟

مینا احدی: ما به محض اطلاع از یک مورد حکم سنگسار فوراً به اعضای

صفحه ۲

مردان در کشورهای اسلام زده و برای لغو قانون ضد انسانی قصاص و سنگسار فعالیت خواهیم کرد. و از همه سازمانهای مدافع حقوق زنان و نهادهای بین المللی و شخصیتهای فرهنگی و سیاسی خواستیم که به این کمیته بپیوندند. هدف ما این بوده و هست که یک جبهه جهانی وسیع را در مقابل این سبعت و شانت اسلامی قرار دهیم.

متعددی را سازمان داده ایم. متأسفانه با تداوم و تکرار این جنایات بیشرمانه بویژه در ایران، ضرورت سازماندهی یک شبکه بین المللی که فوراً به این موارد عکس العمل نشان داده و مانع اجرای احکام سنگسار شود، مهمتر و برجسته تر شد. بهمین دلیل کمیته بین المللی علیه سنگسار، به ابتکار خود من اعلام شد و ما در اولین اطلاعیه گفتیم که برای جلوگیری از سنگسار زنان و

هفتگی: حدود پنج ماه از تشکیل کمیته بین المللی علیه سنگسار میگذرد، لطفاً درباره هدف تشکیل کمیته توضیحاتی بدهید.

مینا احدی: مسئله سنگسار زنان و مردان در ایران و برخی از کشورهای اسلام زده مثل افغانستان همواره یک معضل ما، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، بوده و برای جلوگیری از این فاجعه انسانی کمیتهای

"جناح سوم" و "بن بست"!

مصطفی صابر



نیستند (همان "جوانهای با لیاقت که جنگ را بردند") و

صفحه ۳

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی میدانند و معتقد است که "یک ایران مقتدر در منطقه" پاسخ مسائل داخلی و خارجی و چاره بحران جمهوری اسلامی است. او می گوید "نیروی سوم" و یا "جناح سومی" در حکومت وجود دارد که جزو هیچکدام از جناح های فعلی

به سیاست بدهند" تا اینها اوضاع را سر و سامان دهند. او معتقد است که هر دو جناح جمهوری اسلامی از الگوی های "وارداتی" پیروی میکنند و دارند "فرصت ها را از دست میدهند". راه نجات جمهوری اسلامی را یک انقلاب (و یا بقول رسالت، یک جهاد)

محسن رضایی در مصاحبه با روزنامه "الشرق الاوسط" نکاتی را مطرح میکند که قابل تعمق اند. او دارد از خامنه ای و "مردان بزرگ ایران" میخواهد که به "جوانان انقلاب" (منظورش برخی سران سپاه پاسداران و نظیر آنهاست) "اجازه ورود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

گفتگو با آذر مدرسی

هفتگی: تعداد قربانیان قتل‌های عنکبوتی به ۱۹ رسید، می‌گویند قاتلین "دیندار" و مقتولین "بدکاره" هستند. چرا نهادهای رسمی رژیم دست این دینداران را باز گذاشته اند؟

آذر مدرسی: خیلی روشن است که مسئول مستقیم این جنایات خود رژیم اسلامی، دارودسته‌ها و باندهای وابسته به آن هستند. امروز بعد از یکسال که از قتل اولین قربانی این جنایات میگذرد تازه اعلام میکنند که به نظر میرسد باندی که امکانات وسیعی دارد مسئول این جنایت است. رژیم عملاً ۹ ماه در این رابطه سکوت کرد و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نداد. بعد از ۹ ماه که مردم اعتراض کردند و دیگر امکان سکوت و سرپوش گذاشتن روی آن را نداشتند به حرف آمدند و اظهار نگرانی کردند. آنهم که از جنایتی که دارد اتفاق می افتد بلکه از اینکه این قتلها میتواند باعث اعتراض مردم شود و امنیت ملی را به خطر بیندازد. اعلام اینکه جانیان این سلسله قتل دیندار هستند و مقتولین بدکاره و با سابقه کفری، به روشنی تأیید این جنایت را نشان میدهد. اعلام اینکه قربانیان بدکاره هستند و جامعه نباید از گسترش این جنایات بترسد، اوج تبهکاری و کثیفی نمایندگان و سران جمهوری اسلامی و زن ستیزی این رژیم و ضدیت اسلام و قوانین و فرهنگ ارتجاعی آن را با حرمت زن نشان میدهد. مسئول این جنایات جمهوری اسلامی است و این سلسله قتلها را باید در کنار سایر جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت و مردم گذاشت.

هفتگی: عناصری از رژیم ادامه این قتلها را معادل زیر ضرب رفتن "امنیت ملی" توصیف کرده اند. اینها خواهان چه هستند و "ابراز نگرانی" آنها از چیست؟

آذر مدرسی: وقتی می‌گویند امنیت ملی به خطر می افتد منظورشان روشن این است که مردم دیگر تحمل نمیکند و علیه این جنایت می ایستند. شکستن سکوت رژیم در این رابطه فقط در اثر اعتراض مردم

بود و امروز ترس رژیم از گسترش این اعتراضات است. اینها میدانند که روی انبار باروت نشسته اند و ممکن است مردم هر لحظه و به هر دلیلی اعتراضاتشان بالا بگیرد و دیگر نه قابل کنترل است و نه قابل سرکوب.

این بحث امنیت ملی اعلام این است که رژیم با نفس جنایت موافق است، با این درجه از وحشیگری موافق است و حمایتش میکند، نگرانی اش فقط در مورد عواقب این جنایت و عکس‌العمل مردم و به خطر افتادن امنیت رژیم است.

همین دیروز اعلام کرده اند ۵۰۰ زن را در مشهد دستگیر کرده اند آنها هم برای حفظ امنیتشان! و جالب است که اعلام کرده اند آنها را یا به بازداشتگاه میبرند یا بهزیستی! این رفتار با جانیان است نه با قربانیان یک جنایت سازمان یافته. به جای اینکه قاتلین را به زندان بیندازند قربانیان را بازداشت میکنند و اسمش را هم میگذارند حفظ امنیت! این زنان قطعاً اگر به دست جمهوری اسلامی بیفتند سرنوشت بهتری را نخواهند داشت. همین حالا باید برای آزادی این زنان بطور جدی اقدام کرد و علیه دستگیری آنها اعتراض کرد.

هفتگی: عکس‌العمل حزب کمونیست کارگری ایران به نمایش ارباب جمهوری اسلامی چیست و در این مورد چه فعالیت‌هایی در دستور است، توصیه و فراخوان حزب به مردم چیست؟

آذر مدرسی: به نظر من باید علیه کلیه این سیاستها و جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کرد. باید هر مراسم اعدام، سنگسار، شلاق زدن را به صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی و قوانین و فرهنگش تبدیل کرد. نباید اجازه داد ضعیفترین بخشهای جامعه را قربانی کنند و فضای رعب و وحشت را در جامعه برقرار کنند. رژیم از مقابله با مردم بطور جدی میترسد و توان رودروئی با مردم معترض را ندارد. این وحشت و هراسش را میتوان به خوبی دید. اعتراض علیه جنایاتی که در مشهد اتفاق افتاده و علیه اعدامها و شلاق زدن یکی از عرصه‌های مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. ■

از صفحه ۱

گفتگو با مینا احدی

پیشرفت‌هایش است. ما در نظر داریم که با توجه به ادامه سنگسارها و اعدام‌های بیشتر در ایران، مسئله محاکمه و مجازات سران جمهوری اسلامی در ایران را بعنوان جنایتکاران علیه بشریت، در سطح اعضا کمیته بین‌المللی علیه سنگسار مطرح و برای انجام عملی این کار چاره‌اندیشی‌های لازم را بکنیم.

نکته دیگر اینست که هم اکنون یک جنبش قوی بر علیه اعدام در دنیا وجود دارد. کار ما و فعالیت ما در متن همین مبارزات است و ما در نظر داریم که در سال آینده یک روز را بعنوان روز جهانی بر علیه سنگسار اعلام کنیم. واقعا تاسف آور است که در این قرن کماکان مثل دوران قرون وسطی زنان و مردان را تا سینه در خاک فرو کرده و با پرتاب سنگ زجرکش میکنند، برای پایان بخشیدن به این عمل شنیع و برای اعلام نفرت جهانی از این عمل، در نظر داریم روزی را با مشورت با اعضا کمیته، روز جهانی علیه سنگسار اعلام و احیانا کنگره ای جهانی در همین روز بر علیه سنگسار سازمان دهیم.

هفتگی: آیا انتظار کمک و انجام کاری از مردم دارید؟

مینا احدی: اولین انتظار من از همه کسانی که خبر فعالیتها و تشکیل این کمیته را شنیده اند اینست که به این کمیته بپیوندند.

من از مردم در ایران و خارج از کشور میخواهم که اخبار مربوط به سنگسار زنان و مردان در کشورهای اسلام زده را فوراً به ما اطلاع دهند. همه هدف ما باید این باشد، از هر طریق ممکن جلو انجام این جنایات را در هر نقطه از جهان بگیریم. این احتیاج به همدلی، همفکری و کار مشترک دارد. دست همه شما را در انجام این مهم میفشاریم.

با ما میتوانید با این آدرس و شماره تلفن و فاکس تماس بگیرید. شماره تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

شماره های فکس: ۰۰۴۹۲۰۱۲۴۸۸۵۱۰ و یا ۰۰۴۹۲۲۱۴۷۳۰۵۳۱ آدرس ای میل: MinaAhadi@aol.com

بویژه در ایران و عراق این جنبش بطور جدی از کمونیسم کارگری متأثر است و توانسته قدمهای جدی را به جلو بردارد. هدف ما در عین حال معرفی از نزدیک این جریان و دامنه

کمیته نامه فرستاده و خواسته ایم که اولاً خبر این واقعه را وسیعاً پخش کنند و ثانیاً با ارسال نامه اعتراضی و محکوم کردن این عمل، مانع اجرای این جنایت شوند. بطور مثال در مورد حکم سنگسار مریم ایوبی این کار را کردیم که صدها نامه اعتراضی به دولت ایران و شخص خاتمی ارسال شد که رونوشت این نامه‌ها برای ما رسیده است. در قسمت بالای نامه‌ها نوشته شده "به محمد خاتمی رئیس جمهور ایران" و رونوشت به "مینا احدی هماهنگ کننده کمیته بین‌المللی علیه سنگسار" که لابد در آرشیو دفتر جناب خاتمی همه این نامه‌ها محفوظ است. در مورد مریم ایوبی از طرف نمایندگان پارلمان سوئد و یا اتحادیه اروپا و همچنین معاون پارلمان آلمان نیز نامه اعتراضی برای جلوگیری از اجرای حکم ارسال شد. همچنین در ترکیه اعضا کمیته بین‌المللی علیه سنگسار و ۱۱ سازمان مدافع حقوق زنان از ترکیه، میتینگ اعتراضی را در استانبول در مقابل کنسولگری رژیم اسلامی سازمان دادند، و یا در یک مورد بیش از ۳۰۰ امضا در یک نامه اعتراضی از یک دانشگاه در ترکیه جمع آوری و برای مقامات رژیم اسلامی ارسال شد. میخواهم بگویم که ما مجموعه فعالیت‌های متنوعی را سازمان داده ایم. از میتینگ اعتراضی گرفته، تا ارسال نامه تا برگزاری جلسات و میزگرد و انجام مصاحبه‌های متعدد با رادیو و تلویزیونهای بین‌المللی و در یک کلام پخش وسیع خبر و جلب سمپاتی مردم به این اقدامات و جلب همکاری و استفاده از امکانات متعدد اعضای کمیته و بقیه مردم برای اعمال یک فشار بین‌المللی موثر برای جلوگیری از انجام این فجایع غیر قابل توصیف. تا کنون بیش از ۱۵۰ نهاد و سازمان و شخصیت عضو این کمیته شده اند. برخی از نهادهای عضو کمیته خودشان هزاران عضو دارند. بطور مثال سازمان زنان دانمارک که عضو کمیته شده، خودش شامل بیش از ۳۴ سازمان است با میلیونها عضو. اکنون از کشورهای اروپایی،

کانادا و آمریکا و ترکیه و هندوستان و افغانستان و غیره سازمانها و یا افرادی عضو این کمیته هستند. در این کمیته شخصیت‌هایی مثل گونتر والراف نویسنده مترقی و سرشناس آلمانی، سوزی وایزمن سوسیالیست سرشناس از آمریکا، آذر ماجدی از رهبران حزب کمونیست کارگری و فعال سرشناس جنبش زنان و یا اولاً هوفمن از پارلمان سوئد و یا باربارا هیلفریش از اتحادیه اروپا عضو هستند. در حقیقت ما توانستیم یک شبکه بین‌المللی وسیع را سازمان دهیم که قابل دسترس است و میتواند فوراً عکس‌العمل نشان دهد.

هدف ما اینست که در مقابل این سببیت غیرقابل تصور که در قرن بیست و یک و در مقابل چشمان جهان معاصر اتفاق می افتد، یک عکس‌العمل در خور سازمان دهیم و بطور جدی مانع از این پدیده گردیم که دنیا به این جنایات عادت کند، امری که در مورد سرکوب و ستم وحشیانه بر علیه زنان در افغانستان، بنظر من دارد به نوعی اتفاق می افتد.

هفتگی: چه فعالیتها و کارهایی برای آینده در دستور دارید؟

مینا احدی: ما در نظر داریم که کنفرانسهایی را در چند کشور دنیا بطور مثال انگلستان، سوئد، کانادا، آلمان و اطریش سازمان دهیم. کنفرانسهایی که به افشا خشونت علیه زنان در کشورهای اسلام زده، و سنگسار بعنوان وحشیانه ترین نوع خشونت در این کشورها، معطوف خواهد بود. در عین حال در این کنفرانسه‌ها به فعالیتها و مبارزات زنان و مردان بر علیه خشونت در این کشورها پرداخته میشوند. هدف ما معرفی و به جلو صحنه بردن گرایشی است که در جنبش زنان در کشورهای اسلام زده موجود و فعال است و از پرنسیپهایی دفاع میکند که در عین جدید و نقادانه بودن، راهگشاست.

بویژه در ایران و عراق این جنبش بطور جدی از کمونیسم کارگری متأثر است و توانسته قدمهای جدی را به جلو بردارد. هدف ما در عین حال معرفی از نزدیک این جریان و دامنه

کار نقد، دستمزد نسیه

کارگران دستمزد نگرفته پشتیبانی می‌خواهند

کاظم نیکخواه

می‌اندازند. این تازه آنجاست که حساب و کتاب و قانونی وجود دارد. در جمهوری اسلامی اوضاع بی حساب و کتاب تر از اینست که سرمایه دار ناچار به حساب پس دادن باشد. مقامات جمهوری اسلامی خود بخشی از همین جریان کلاسی هستند. بعلاوه بخشی از کارگران دستمزد نگرفته مربوط به موسسات دولتی نظیر شهرداریها و بنیادها و کارخانجات دولتی میباشند. و نیروی انتظامی و پلیس و ارتش این حکومت سلاحهایش را به سوی کارگر حق طلب نشانه میبرد. هیچ دلیل و بهانه ای در هیچ شرایطی برای به گرسنگی محکوم کردن بخشی از مردم جامعه قابل قبول نیست. همه میدانند و می‌بینند که پول هست و بسیار هم هست. دولت به گردن بخش خصوصی می‌اندازد، بخش خصوصی به گردن دولت. کارگران معترض میگویند ننگ و نفرت بر هردو! ما کار کرده ایم و حق داریم که نان و مسکن و زندگی داشته باشیم. ما کار کرده ایم و دستمزد برسمیت شناخته شده مان را می‌خواهیم. این کارگران هر روز در گوشه ای و به شکلی اعتراض میکنند و حق خود را طلب میکنند. این کارگران از عموم هم طبقه ایهای خویش انتظار پشتیبانی دارند. این کارگران بحق منتظرند خبر اعتصاب و صدور قطعنامه و اولتیماتوم پشتیبانی از جانب کارگران بخش های کلیدی صنعت و همه کارگران بشنوند. این کارگران بحق از همه مردم انتظار پشتیبانی دارند. وقتی خود سردمداران حکومت جانیان اسلامی در کشاکش و نزاعهای مابین خویش هر روز از گوشه هایی از این فاجعه پرده برمیدارند راه برای پشتیبانی علنی از این کارگران باز تراست.

تخمین زده میشود که بیش از یک میلیون از کارگران با مسئله دستمزد پرداخت نشده دست و پنجه نرم میکنند. زندگی بخش زیادی از این کارگران عملاً از هم گسیخته است. امروز و فردایشان معلوم نیست. روز و شبشان معلوم نیست. خانه و سرپناهمان معلق است. زندگی اجتماعی‌شان از هم پاشیده است. وحسرت و نداری تمام وجودشان را میسوزاند. ابعاد فاجعه قابل توصیف نیست. حتی جانیان حاکم بر جامعه در نزاعهایشان هر روز دارند گوشه هایی از این تراژدی را بر ملا میکنند.

این جنایت آشکار سرمایه داران و دولتشان را نباید بیش از این تحمل کرد. صف اعتراض این کارگران را باید بی هیچ تاملی تقویت نمود. مسیبت این وضعیت را باید زیر ضرب اقدامی توده ای و کوبنده قرار داد. کارگر نباید گرسنگی بکشد. کودکان کارگران نباید گرسنه و از امکانات اجتماعی محروم بمانند. مسئله به سادگی اینست: اقتصاد ایران تحت حکومت اسلامی سرمایه داران در بحرانی عمیق قرار دارد. کارخانه ها زیر ظرفیت کار میکنند. مواد اولیه نیست. بحران سیاسی و فساد مالی سراپای تولید را فلج کرده است. اما تجربه این را نشان داده است که بخشی از سرمایه داران و مدیران دولتی و خصوصی بیشترین پول و ثروت را در موقع بحران بهم میزنند. اعلام ورشکستگی میکنند. از تعهداتشان شانه خالی میکنند. پولها را بالا میکشند و حسابها و صورت حسابهای جلی به جامعه و مقامات ارائه میدهند. و بعد به نام دیگری و روبرو است و دیگری کسب و کارشان را راه

از صفحه ۱ "جنح سوم" و "بن بست"!

"رادیکال" مجلس مکرراً به دادگاه احضار میشوند - در چنین شرایطی، نطق های خاتمی با سخنان خامنه ای و رفسنجانی در محتوا مو نمی زند و "نخبگان" دوم خرداد (از جمله در سطوح بالای "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" و "مشارکت") در حال "مذاکره" و "گفتمان" با "راست نو اندیش" و "نخبگان" آن یکی جناح اند. حتی فریاد "آقای خاتمی اعتراض کنید" اکثریتی - توده ای بلند شده است. همین تصویر به تنهایی نشان میدهد که چگونه سر دوم خرداد از بدنه جدا شده، بدنه آن دست و پا میزند و نیرو از دست میدهد. جناح راست هم در موضعی آشفته و نامطمئن قرار دارد. گرچه "نخبگان" آن و حتی کسانی مثل شریعتمداری به پوزسیون "گفتمان" سران دوم خرداد و بویژه چرخش های خاتمی روی خوش نشان میدهند، اما بهیچ وجه اعتماد به نفس ندارند. آنها به این حرکات بالای دوم خرداد با دیده تردید مینگرند ("آیا این یک تاکتیک است یا استراتژی؟" و یا یک "هیپنوتیزم سیاسی" - سمرقانه رسالت، دیروز پنجشنبه ۴ مرداد). این چیزی فراتر از ترس از "پلیتیک" های حریف است. برای خط مرکز آینده روشنی نمی بینند. بعلاوه، تفرقه و چند دستگی در بین اینها نیز تشدید شده است. فضولی های اخیر "جنتی" رئیس شورای نگهبان در مورد موضوع بسیار حساس قرار دادهای نفتی فقط با نامه رئیس جمهور پاسخ نگرفت. بلکه با سکوت رضایت آمیز "نخبگان" و حتی تذکرات روزنامه رسالت روبرو شد. خلاصه آنکه اوضاع بعد از انتخابات راه گزیری در برابر جمهوری اسلامی نگشوده است. علاوه بر تداوم اغتشاش و جنگ و دعوا در بالا، در پایین اعتراضات مردم در اشکال مختلف هر روز گسترده شده است. کافی است به لیست دستگیر شدگان در جریان تظاهرات بعد از انتخابات در چند شهر، به سرکوبهای خشن اعتراضات کارگری، به قرق نظامی جلوی دانشگاه و دستگیری های ۱۸ تیر امسال و یا همینطور به سنگسار و اعدام و شلاق زنی در ملاء عام به منظور مرعوب کردن مردم توجه کنیم، تا دریابیم

فقط اینها قادرند که با "قاطعیت و قدرت" از "فرصت هائی که هنوز باقیمانده" استفاده کنند و "ایران مقتدر" را بسازند. او دارد دنبال راه حل "غیر جناحی" و "بومی" برای اوضاع جمهوری اسلامی میگردد اما عملاً پروژه نوع "زئرال مشرف"، البته تحت لوای ولی فقیه، را پیشنهاد میکند!

امیر محببان از جناح راست طی مقاله ای در رسالت به رضایی و "همفکران او"، تذکرات دوستانه و تا حدی ریشخند آمیز میدهد. از محسن رضایی قبول میکند که دوره شعارهای سیاسی دوم خرداد به سر آمده و حالا بر سر "توجه به اقتصاد" توافق شده است. با لزوم "جهاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی" او هم اختلافی ندارد. اما به اینکه او بتواند "جناح سوم" درست کند با تمسخر می نگرد و در باره "نظریه نفی دوجناح" که از حرفهای رضایی نتیجه میگیرد، می تازد و به او میگوید که قدر جناح ها را بدانند و به او هشدار میدهد که "راه میان بر" در سیاست وجود ندارد و به "بن بست" منجر میشود.

این اول بار نیست که محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه پاسداران، از این حرفها میزند. چند ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری صراحتاً خواستار این شد که خاتمی کنار بکشد و به همان "جوانان انقلاب" میدان داده شود. اکنون دو ماه بعد از انتخابات مجدداً او به سخن درآمده است. این خود شاخص دیگری است که چطور تردیدها و نگرانی ها نسبت به سرنوشت جمهوری اسلامی در قبل از انتخابات، اکنون نیز دستکم به جای خود باقی است.

محصول انتخابات نوعی نزدیکی سران دو جناح و تقویت خط مرکز بود. این بیش از آنکه گشایشی برای جمهوری اسلامی باشد، تلاش دیگری است برای بقاء. بیش از هر چیز شرم شکست دوم خرداد در تلاش برای وسعت بخشیدن به پایه اجتماعی رژیم از طریق سهم کردن همه "خودی" ها در قدرت است. در حالیکه "ملی مذهبی" ها، هواداران منتظری و روزنامه نگاران دوم خرداد در زندان به سر میبرند، تحکیم وحدت و "جنبش دانشجویی" دوم خرداد هر روز با احکام قوه قضاییه نظیر "تبرئه لباس شخصی ها" تحقیر میشود و نمایندگان



این حکومت از همین حد اعتراض این کارگران آشکارا به وحشت افتاده است. صدای پشتیبانی و حمایتی که از گوشه ای دیگر از جامعه بلند شود بی تردید این هارا به زانو خواهد انداخت. اگر بیمه بیکاری و تامینات اجتماعی مناسبی برای کارگران وجود داشت، اگر دولت و جامعه موظف به تامین زندگی افرادش بود، کارگر ناچار نمیشد ماه تا ماه کار کند و حقوق نگیرد و بازهم به کارکردن در همان کارخانه و موسسه ادامه دهد. مسبب این عذاب الیم قبل از هر چیز دولت است. مسئولیت این وضعیت قبل از هر کس بر دوش جمهوری اسلامی است. دستمزد کارگران بهمراه خسارت تاخیر باید فوراً پرداخت شود! این خواست را میتوان و باید هرچه سریعتر به کرسی نشاند. مبارزه بر سر دستمزدهای پرداخت نشده امروز توجه تمام جامعه را به خود جلب کرده است. این مبارزه علیرغم بارها مقابله خشن نیروهای جمهوری اسلامی فعالانه ادامه یافته و سران حکومت را به فکر چگونگی عقب نشینی در برابر آن انداخته است. این مبارزه بیشک ادامه خواهد یافت و جریان تعرضی تری به خود خواهد گرفت. کارگر دستمزد نگرفته نمیتواند ساکت بنشیند. حمایت عمومی کارگران و سایر بخشهای مردم میتواند یک عقب نشینی سریع و اساسی را به حکومت اسلامی و سرمایه داران چپاولگر تحمیل کند. عقب نشینی ای که اثرات مثبت مهمی بر کل موقعیت کارگران در جامعه و بر کل جامعه خواهد داشت. ■

آنها نشان میدهند، اما از رهبری و سازمان لازمه برای متحد کردن تلاشهای وسیع خود و گردآوری آن نیرو بر خوردار نیستند. جنبش کمونیسم کارگری و حزب آن میتواند و میکوشد تا این خلاء در پایین را پر کند، و بدرجه ای که این کار انجام گیرد، کم دردمر ترین حالت برای رهایی جامعه از شر بن بست جمهوری اسلامی فراهم می آید. ■

کمین آن نشسته است. اما مساله این نیست که این "راه میان بری" است که به "بن بست" میرسد. نکته این است که طرح آن فی الحال نشانه وجود بن بست چاره ناپذیری است. بالایی ها دچار بن بست اند، امدار عین حال نیرویی هم که قادر به انداختن آنها باشد فراهم نیامده است. پایینی ها نمی خواهند به وضع فعلی تن بدهند، هرروز

که امواجی که زورق جمهوری اسلامی را میکوبند، بهیچ وجه فروکش نکرده اند. این اوضاع، زمینه طرح پروژه "ایران مقتدر تحت لوای ولایت" توسط محسن رضایی و "همفکران" را توضیح میدهد. البته این یکی هم بنظر نمیرسد راه حلی باشد برای بقاء جمهوری اسلامی که با یک بحران عمیق اقتصادی روبرو است و یک جنبش عظیم اعتراضی در

تجمعات اعتراضی کارگران همچنان ادامه دارد

مساله تامین زندگی و آینده کارگران و توده مردم محروم، از هم پاشیدن خانواده های کارگری و نابودی کارگران و بچه هایشان مساله حکومت اسلامی نیست، مشکل کارفرمایان نیست، مشکل رئیس جمهور و استاندار و وزارت کار و مجلس اسلامی نیست، آنها آسایش و تامین زندگی خوش و راحت خود را از قبل تحمیل این وضعیت به کارگران و توده مردم کارکن تامین کرده و تامین میکنند. جمهوری اسلامی مسئول این وضعیت و همه فقر و فلاکتی است که به کارگران و توده مردم محروم در دودمه گذشته تحمیل شده است. اما شرایط برای ازدیاد فشار به جمهوری اسلامی از هر زمان آماده تر است. تغییر سریع اوضاع به نفع کارگران و توده مردم در جهت پایان دادن به همه بی حقوقی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در ۲۳ سال گذشته جمهوری اسلامی بر مردم ایران تحمیل کرده است، اکنون بیش از هر زمان به همبستگی مبارزاتی کارگران و رهبران آنان و دیگر مردم معترض گره خورده است. ■

در محل "طاق بازرگانی و صنایع" در تهران تجمع کردند. عده ای از کارگران کارخانه کوه فرد در برخواست و میمه روز ۲۶ تیر بخاطر تعطیل شدن این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار امنیت شغلی شدند. روز ۲۵ تیر حدود ۶۰ نفر از کارگران کارخانه ریسندگی گیلان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه خود در محوطه این کارخانه تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق هایشان شدند. هزاران کارگر سدکارون ۳ نیز دو هفته دست به اعتراض زدند تا بخشی از حقوق معوقه خود را دریافت دارند. مردم به بی بی اعتراض میکنند، به بیکاری اعتراض میکنند، به تخریب خانه هایشان توسط حکومت اسلامی و به بی حقوقی و فقر و فلاکت موجود اعتراض میکنند. با نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی درگیر میشوند، و این حرکات اعتراضی در مناطق مختلف ایران همچنان ادامه دارد.

حسین مرادبیگی

حرکات و تجمعات اعتراضی کارگران و دیگر مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه، اخراج و بیکار سازی، عدم امنیت شغلی، بی آبی و دیگر مشکلات زندگی روزانه همچنان ادامه دارد. روز ۳۱ تیرماه بدنبال اخراج ۲۶ نفر از کارگران شهرداری جهرم، کارگران به اتفاق خانواده هایشان در شهرداری این شهر تحصن کرده و خواستار بازگشت کارگران اخراجی به سر کار و توضیح شهردار در این مورد شدند. جمعی از کارگران بازنشسته شهر کاشان در اعتراض به طرح واگذاری بیمارستان این شهر به وزارت بهداشت، در محل کانون بازنشستگان این شهر تجمع کردند. روز ۲۸ تیرماه کارگران شرکت داروگر در اعتراض به اخراج ۶۰ تن از کارگران قراردادی این شرکت مجمع عمومی برپا کرده و سپس

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۲- ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۱

جمهوری اسلامی کشتار "غیرقانونی" زنان در مشهد را قانونی کرد

آدمکشان اسلامی ۱۹ زن بیگناه مشهد را "غیرقانونی" و در خفا کشتند، حکومت آدمکشان قاتلین را عزت و احترام بخشید و اقدامات آنان را رسمی و قانونی کرد تا بقول خودشان التهاب ناشی از تکرار عمل "غیر قانونی و خود سرانه عوامل ناشناس" فروکش کند! کیهان چهارشنبه ۳ مرداد، خبر داد که جمهوری اسلامی در مورد کشف معمای قتل های زنجیره ای زنان در مشهد اقدامی فوری و ریشه ای انجام داده است. این روزنامه نوشت: * حضور ناهنجار زنان «فاسد» در یکی دوسال اخیر، جلوه ناخوشایندی به برخی از نقاط شهر مشهد داده و امنیت "اخلاقی و روانی" این شهر را به خطر انداخته بود، * قتل مشکوک ۱۹ نفر از آنان، هیچگونه احساس همراهی و ترحم نسبت به آنها را در میان شهروندان مشهدی بر نیانگیخته است، * کاهش حضور زنان "ولگرد و خیابانی" در دیگر شهرهای بزرگ بی ارتباط با انتشار اخبار قتل مشکوک همکاران آنها در مشهد نیست، * ستاد ویژه رسیدگی به مساله قتل زنان "فاسد" متشکل از نمایندگان از دستگاه قضایی، وزارت کشور و سازمان بهزیستی تشکیل و مامور بررسی ریشه ای این بحران در مشهد شد، * ستاد ویژه وارد عمل شد و در اولین تصمیم این ستاد، مقرر شد زنان "بدکاره و ولگرد" از سطح خیابانهای شهر جمع آوری شوند که این کار از چند روز پیش آغاز شده است، معلوم نیست آیا بهزیستی نگهداری زنان جمع آوری شده را به عهده خواهد گرفت یا آنان را به بازداشتگاه خواهند فرستاد. * با این اقدام: انتظار می رود التهاب ناشی از تکرار عمل "غیر قانونی" و خودسرانه عوامل "ناشناس" فروکش کند.

دهمین نشست وسیع کمیته کردستان برگزار شد

آگاهی عموم مردم تبدیل شود. تبلیغات و خودکفایی مالی کمیته کردستان آخرین مباحث این نشست بودند. نشست دهم کمیته کردستان در بخش دیگری از کار خود، رحمان حسین زاده را به عنوان دبیر کمیته کردستان و اسد نودینیان را به عنوان خزانه دار، با اتفاق آرای حاضرین انتخاب نمود و به ترکیب ۷ نفره هیئت اجرایی پیشنهادی از جانب دبیر کمیته کردستان رای اعتماد داد. به این ترتیب رفقا عبدالله دارابی، ایرج فرزاد، هلاله طاهری، خالد حاج محمدی، فاتح شیخ الاسلامی، اسد نودینیان، رحمان حسین زاده به عنوان هیئت اجرایی کمیته کردستان تعیین شدند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مرداد ۱۳۸۰

و در موردشان تصمیم بگیرد. در روز دوم اعضای شورای کادرهای تشکیلات کردستان به عنوان ناظر به این نشست دعوت شده بودند. با حضور تعدادی از کادرهای شورا و مهمانان دیگری در جلسه روز دوم ابتدا موقعیت حزب کمونیست کارگری در کردستان و سیاست ما در قبال حزب دمکرات و کومهله بررسی و چارچوب آن تعیین شد. در حاشیه این میحث در برخورد به انشعاب اخیر از کومهله و باند دست ساز جلال طالبانی، ضمن تایید سیاست افشاگرانه و روشن تاکنونی، بر این موضوع تاکید شد که لازمست ماهیت قوم پرستانه و باند سیاهی این جریان و سرسپردگی و وابستگی سیاسی آنها به جلال طالبانی و اتحادیه میهنی و بیربطی آنها به گذشته رادیکال و چپ کومهله مستدل و روشن از جانب ما به

نشست دهم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضای کمیته کردستان در روزهای سی ام و سی یکم تیر ۱۳۸۰ (۲۱ و ۲۲ جولای ۲۰۰۱) تشکیل شد. موضوعات سیاسی و تشکیلاتی متعددی در دستور این نشست بود. در روز اول، گزارش هیئت اجرایی بررسی شد، سپس به ترتیب اقدامات سه ماه آتی کمیته کردستان، جمع بندی از اقدامات تاکنونی در عرصه نظامی، تشکیلات محل کار و زیست و جهت گیریهای سیاسی و عملی فعالیت ما در شهرها، استانداردها و موازین امنیتی فعالیتی، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفتند و در هر یک از این عرصهها تصمیماتی اتخاذ شد. در مورد قطعنامهو قراردادهای پیشنهادی، به هیئت اجرایی کمیته کردستان اختیار داده شد تا آنها را بررسی

جانیان اسلامی، مجلس و دولت و وزارت اطلاعات و قوه قضائیه، پس از بندبازی های تهوع آور، بالاخره به جنایاتشان اعتراف کردند و به آن لباس قانونی پوشاندند تا "التهاب ناشی از تکرار عمل غیر قانونی و خود سرانه عوامل ناشناس فروکش کند!" علاوه بر کشتن ۱۹ نفر از زنان صدها نفر از آنان را هم دستگیر کردند تا تب کشتار بخوابد! به این میگویند جمهوری اسلامی! جمهوری اسلامی قانونی و غیر قانونی یکی است. کانون توحش و جنایت است.

اوباش آدمکش اسلامی در ایران! رئیس جمهور و وزیر و وکیل و قاضی شرع!

این قمه کشی ها و آدمکشی ها به نام «اخلاق» و با اتهامات اسلامی زدن به زنان بیگناه و تهی دست مشهد، تنها کوه نفرت مردم ایران از شما و نظامتان را مرتفع تر خواهد کرد. این توحش بی شک بر خشم جهانیان و مردم شریف بیش از پیش خواهد افزود. روزی که مردم ایران به زیرتان بکشند و می دانید که آن روز دیر نیست، جای تک تک شما به خاطر همه این جنایات در دادگاههای مردم است.

مردم آزادیخواه!

جمهوری اسلامی به کشتار زنان بیگناه مشهد اعتراف کرده است و آن را قانونی می کند. حمله به این قشر ضعیف نباید بدون پاسخ بماند. به حکومت جنایتکاران اعتراض کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران
کمپین اعتراض به قتل های زنجیره ای زنان
ثریا شهابی

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England